

## جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی

دکتر تقی آزاد ارمکی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

بسیج شناسی اجتماعی یا جامعه شناسی بسیج یکی از حوزه های نو ظهور در جامعه شناسی ایران می باشد که با پیدایش پدیده اجتماعی «بسیج» در سطوح متفاوت فردی و اجتماعی توسعه یافته است. بسیج همچون حرکت توده ای و غیر حرفه ای، در سطوح متفاوت «فردی، سازمانی و اجتماعی» در بردارنده جهت گیری با تأکید بر دو عنصر ثبات و تغییر، حرکتی هدفدار و اصلاح طلبانه، و چند بعدی (ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی) مطرح می باشد. از این رو جامعه شناسی بسیج نیز یک گرایش جامعه شناختی است که پدیده بسیج را با توجه به ویژگی های فوق مورد توجه قرار می دهد.

جامعه شناسی بسیج یا جامعه شناسی جنگ، جامعه شناسی نیروهای انتظامی، جامعه شناسی سیاسی، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و جامعه شناسی ستیز متفاوت است. جامعه شناسی بسیج تنها به موضوعات و مسایل فردی، خاص، پراکنده، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک نمی پردازد. تحلیل حاصل شده از جامعه شناسی بسیج اولاً متفاوت از تحلیل های روزنامه ای، دستوری، و سیاسی است، ثانیاً صرفاً تحول، تغییر و یا سازگاری را بیان نمی کند بلکه به بررسی سطوح متعدد پدیده بسیج می پردازد، ثالثاً تنها ارتباط بین واحدها و سازمانهای نظامی مورد نظر نیست. بلکه این امور بخشی از مباحث بسیج شناسی اجتماعی است.

جامعه شناسی بسیج تنها به منزله شناخت نیروهای درگیر بسیجی نیست، بلکه به

شناختی اطلاق می‌گردد که در آن وجود نیروها، تحرک و جنبش اجتماعی، ارائه تیپولوژی‌های متفاوت از بسیج، سازگاری و انسجام اجتماعی حاصل از فرآیند حرکت بسیجی، پیدایش قدرت اجتماعی جدید، شبکه ارتباطی حاصل از حضور بسیج و دیگر نیروهای اجتماعی و... دیده می‌شود. از این روست که در مطالعه بسیج عناوین کلی تاریخچه بسیج، جمعیت‌شناسی بسیج، اقتصاد بسیج، فرهنگ بسیج، سازماندهی بسیج، گروه‌ها و اقشار بسیج، طبقات اجتماعی بسیج و جنگ‌شناسی بسیج مورد نظر می‌باشد.

در بسیج‌شناسی اولین اصل مسلم عدم ساده‌انگاری در فهم بسیج است. در بیان بسیج‌شناسی اجتماعی به لحاظ مطالعه درگیری نیروهای مردمی در سطوح متفاوت خصوصاً از طبقات پایین جامعه، هرگز نمی‌بایست آنرا یک پدیده معمولی و عادی تلقی نمود؛ بلکه بایستی آنرا به لحاظ گستردگی وجود نیروها و عوامل درگیر پدیده‌ای فراگیر و عام دانست. بسیج‌شناس اجتماعی، بایستی بین درک ساده و سطحی و عامیانه از پیدایش، رشد و تنگناهای حرکت بسیجی با تحلیل علمی تفکیک‌فائل شود. دومین اصل بررسی میزان تحول و تغییر در مبانی، اهداف، ساخت، کارآیی و آینده بسیج و سازمان بسیج می‌باشد. سومین اصل تفکیک بین بیانات سیاسی و ایدئولوژیک از تحلیل علمی است. چهارمین اصل، تمایزگذاری بین توصیف و تحلیل در مورد مسایل مربوط به بسیج است. پنجمین اصل، در شناخت میزان شباهت، تفاوت و رابطه بین حرکت بسیجی و آشوبها، اختلالات، اصلاحات، تحولات، انقلابات و انتظامات اجتماعی است. در این راستاست که بسیج‌شناسی اجتماعی از ستیزه‌شناسی، انقلاب‌شناسی، اختلال و آشوب‌شناسی و رفورم و ایستایی‌شناسی متفاوت خواهد بود.

بسیج‌شناسی به لحاظ وجود صرف سازمان و تشکیلات بسیج ضرورت علمی کاربردی نیافته است. زیرا اگر این نظر دارای اعتبار باشد، بایستی به لحاظ وجود هر سازمان اجتماعی حوزه جدیدی در جامعه‌شناسی وجود داشته باشد. با وجود اینکه

در حال حاضر در علم جامعه‌شناسی به طرح حوزه‌ای جامعه‌شناسی جدیدی چون «جامعه‌شناسی زن»، «جامعه‌شناسی جوان»، «جامعه‌شناسی شخصیت»، «جامعه‌شناسی ورزش» و امثال آن پرداخته شده است؛ ولی سعی می‌شود تا برای حفظ اعتبار علمی جامعه‌شناسی از تفرق و تنوع گرایش‌ها پرهیز شود. با این وجود، به نظر می‌آید در صورتی که یک پدیده اجتماعی عاملی در تغییر عمده در ساختار اجتماعی بوده و توانسته باشد به عنوان یک مورد خاص در جامعه به حیات خود ادامه دهد، در چهارچوب جامعه‌شناسی، تحت حوزه خاصی قلمداد گردیده است. از این روست که جامعه‌شناسی بسیج می‌تواند حوزه جدید جامعه‌شناسی باشد.

#### اعتبار جامعه‌شناسی بسیج

جامعه‌شناسی بسیج اولین بار در ایران به لحاظ برخورد جامعه‌شناختی دانشجویان و اساتید جامعه‌شناس با پدیده بسیج و مطالعه آن به نحوه علمی مطرح گردیده است. این حوزه جامعه‌شناسی به لحاظ علمی بودنش از ساختار کلی جامعه‌شناسی متأثر است و به لحاظ تحدید و نحوه تحقیق موضوع و توسعه و گسترش آن از ساختار اجتماعی فرهنگی جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی متأثر است. از این رو جامعه‌شناسی بسیج دو وجه بین‌المللی و ملی دارد. از این روست که می‌توان ادعا نمود توسعه جامعه‌شناسی بسیج متأثر از روند توسعه جامعه‌شناسی در ایران در چندین جهت بوده است. ۱- جامعه‌شناسی فرهنگی، ۲- جامعه‌شناسی تطبیقی و مقایسه‌ای، ۳- جامعه‌شناسی ادیان، ۴- جامعه‌شناسی مارکسی، ۵- جامعه‌شناسی انقلاب، ۶- جامعه‌شناسی بسیج، ۷- فلسفه جامعه‌شناسی.

جامعه‌شناسی بسیج برای پیدایشش در ایران نیازمند ضرورت‌هایی بوده است که در چهارچوب بحران‌های اجتماعی سیاسی قابل طرح است. بحران پس از پیدایش انقلاب اسلامی که در شکل بحران سیاسی و بحران روابط بین‌الملل تبلور یافت، از طریق دشمنان انقلاب «غرب و شرق» برای گریز از بحران، به صورت تز کودتا و

آشوبهای داخلی مطرح گردید و از سوی رهبران و انقلابیون در ایران به صورت نز بسیج توده ای مطرح گردید. این دو جریان اجتماعی سیاسی در مصاف با یکدیگر در نهایت به شکل دهی «بسیج» انجامید. رهبر فقید انقلاب اسلامی «ره» و انقلابیون در ایران، منتقدین و روشنفکران در خارج از کشور با مقوله بسیج با دیدگاه های متفاوتی روبرو گردیدند. مخالفین انقلاب اسلامی، بسیج را مانع بازسازی جامعه در روند حرکت بسوی غرب تلقی نمودند، از این رو آنرا به عنوان آسیب و مانع توسعه و تغییر قلمداد ساختند. این نگاه نوعی ساده بینی و سطحی نگری را در پی داشت و تحلیل های ارائه شده در این جهت گیری با واقعیت ها مطابقت نداشت. اساس برای غرب و مدافعان آن در تحلیل مسایل پس از انقلاب اسلامی، بازگردان شرایط به قبل از انقلاب بود، و در نتیجه پدیده ای ایجاد شده در فرآیند انقلاب را امر غیر طبیعی قلمداد نموده و مبارزه با آن را پیشنهاد می نمودند. در مقابل ثنوری پردازان انقلاب اسلامی، در مجموع، بسیج و عوامل مرتبط با آنرا نتیجه و در بعضی از سطوح معادل با جریان انقلاب اسلامی تلقی نمودند. بدین لحاظ «بسیج» و «سازمان بسیج» امکان استمرار و بقا یافت.

پس از درگیری و اختلاف نظر رو در رو «قبول» یا «نفی» بسیج، و پیدایش مرحله جدیدتری که مخالفین نیز به عینی بودن بسیج قائل شدند، نوع مطالعه و بررسی آن مورد اختلاف قرار گرفت. مخالفین دوره اول و قائلین به وجود آن در دوره دوم، بسیج را پدیده ای ثانویه و حاشیه ای دانستند، در حالیکه مدافعین بسیج آنرا عنصر اصلی نظام اجتماعی تلقی نمودند. در مرحله سوم که مصادف با شرایط پس از اتمام جنگ است، بازنگری در اهداف، ساختار، و کارکردهای بسیج از طرف نظریه پردازان انقلاب بوده است. در این راستا وظایف جدیدی برای بسیج تعریف گردیده است. به نظر می آید اهداف و وظایف پیشنهادی، امور پنهان در ساختار بسیج در مراحل اول و دوم بوده اند و عنوان شرایط جدید نمی تواند تلقی گردند.

شناخت بسیج در جامعه ایران بدون ملاحظه سه مرحله فوق امکان پذیر نیست.

در این روند، نظرات متعددی مطرح گردیده است. عده‌ای به لحاظ تعلق به دیدگاه تضاد و تقابل (مارکسیست‌های ایران) بسیج را زائیده رقابت‌های درون سیستمی تلقی نموده‌اند. مدافعین نظریه سیستمی، آنرا بخش غیرکارا در نظام اجتماعی دانسته‌اند. معتقدین به دیدگاه کارکردی انسجامی، حیات و کل‌کرد بسیج را در حالت ایستا بررسی نموده و آنرا شرط بقای نظام اجتماعی در شرایط خاص دانسته‌اند. معتقدین به تئوری انقلاب اسلامی، با تاکید بر فرهنگ و رابطه آن با سیاست، اقتصاد، و نظام اجتماعی بسیج را پدیده‌ای درونی و مفید و در حال تحول دانسته و در بررسی آن به طرح اهداف و وظایف متعددی پرداخته‌اند.

### منابع جامعه شناسی بسیج

منابع شناخت بسیج در ایران می‌تواند روزنامه‌ها، اسناد، کتب، مقالات، مکاتبات، آثار باقیمانده از دوران جنگ، و خاطرات رزمندگان و بسیجیان درگیر در جنگ باشد. این منابع در صورتی می‌تواند در توسعه جامعه‌شناسی بسیج مؤثر باشد که: الف) قابل دسترسی باشند، ب) به لحاظ زمانی استمرار در آنها دیده شود، ج) در استفاده از آنها، طبقه بندی جدید علمی صورت پذیرد، د) ورود به منابع از دریچه علم جامعه‌شناسی تا وقایع و حوادث و تاریخ‌نگاری صورت گیرد.

اسناد و مدارک هر یک دارای اعتبار خاصی می‌باشند. در مطالعه آنها بایستی اولاً، از طرح جهت‌گیری‌های فردی اجتناب نمود، ثانیاً، با شواهد و وقایع حادث در زمان اشاره شده تطبیق داده شوند تا از حب و بغض و انحراف به دور گردند. ثالثاً، اهمیت بیشتری به منابع دست اول ارائه شده بواسطه افراد درگیر در حوادث و وقایع از قبیل روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، و شارحین وقایع داده شود، زیرا روزنامه‌نگاران بر اساس نگاه غیر علمی در پی حذف حوادث عمده و اساسی و برجسته نمودن بعضی از نکات حاشیه‌ای می‌باشند. به نظر می‌آید آرشیو باقی مانده از جنگ و حوادث دیگر مربوط به بسیج از قبیل حوادث خیابانی در درگیری با گروه‌های مخالف و

وصیت نامه ها و نامه های بجا مانده از بسیجیان دارای اعتبار بیشتری از منابع آشکار و مطرح در روزنامه ها می باشد .

با توجه به آنچه گذشت ، جامعه شناسان بسیج در بررسی و استفاده مناسب از حوادث و وقایع مربوط به مسایل بسیج ، بهتر است جمع آوری کننده ، اطلاعات را آموزش داده تا براساس حساسیت خاص علمی بسیجی به سازماندهی اطلاعات و طبقه بندی آنها پردازند . بی مورد نیست اگر ادعا شود که این حوزه جامعه شناسی بایستی بیشترین ارتباط را با جامعه شناسان تاریخی برقرار سازد تا از اطلاعات دقیق تری در تحلیل بهره گیرد .

### آیا جامعه شناسی بسیج یک حوزه علمی است ؟

جامعه شناسی بسیج از چند جهت علمی است . ۱- به لحاظ اینکه یکی از حوزه های علم جامعه شناسی است . ۲- جامعه شناسی بسیج در جهت مطالعه پدیده عینی و واقعی «بسیج» می باشد . ۳- هدف اساسی جامعه شناسی بسیج دست یابی به تبیین تا توصیف ساده است . ۴- جامعه شناسی بسیج در تمایز بخشی از بیانات سیاسی و طرفدارانه حزبی و گروهی است . ۵- تجربه و مشاهده آزمایش ، در دست یابی به رابطه بین عناصر گوناگون راه کار جامعه شناس بسیج است . ۶- بسیج شناسی اجتماعی در مقابل سوالات اساسی که علم مطرح می کند قرار دارد از قبیل: ماهیت بسیج چیست ؟ عوامل و زمینه های شکل دهی بسیج کدامند ؟ نحوه توسعه بسیج کدامند ؟ چگونگی اثرگذاری بسیج بر ساختار جامعه و تاثیر پذیری از جامعه و آینده بسیج چیست ؟

جامعه شناسی بسیج مانند کلیت جامعه شناسی بایستی بر شالوده فلسفی و تاریخی بنیان شود : «یک جامعه شناسی واجد معنی به عنوان یک رشته علمی و

انسان‌گرا می‌باید بر شالوده فلسفی و تاریخی استواری بنیان شود»<sup>(۱)</sup>.

در بنیان فلسفی، پرداختن به انسان و تاریخ و فلسفه دارای اهمیت است. به نظر می‌آید جامعه‌شناسی بسیج بر خلاف جامعه‌شناسی اثباتی قرون گذشته که ضد فلسفی، ضد انسانی و ضد تاریخی بود، بایستی فلسفی، انسانی و تاریخی باشد.<sup>(۲)</sup> جامعه‌شناسی بسیج بایستی با نگاهی جهت‌دار و انسانی بر اساس تحولات و تغییرات نیروهای مبارز انسانی استوار گردد. در این صورت است که جامعه‌شناسی بسیج نمی‌تواند نسبت به انسان و مسایل آن، تحولات تاریخی، و معرفت بشری بی‌توجه باشد.

طرح و تبلور جامعه‌شناسی بسیج در ایران نیز وابسته به موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی است، زیرا در مورد جامعه‌شناسی نیز این نگاه صادق است: «کاربرد آن [جامعه‌شناسی] در هر ناحیه می‌باید معطوف به ایضاح وضعیت در زمینه اجتماعی‌اش باشد و مطالعه جامعه‌شناسی فقط از آن حیث توجیه‌بردار است که از نحوه تربیت یافتن جامعه و جهتی که در آن حرکت می‌کند، می‌توان درک و معرفتی افزون‌تر حاصل کرد».<sup>(۳)</sup>

رابطه جامعه‌شناسی بسیج با دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی:

جامعه‌شناسی بسیج با جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی نیروهای نظامی و جنگ، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، و جامعه‌شناسی سیاسی در رابطه می‌باشد. برای تعیین جایگاه جامعه‌شناسی بسیج، بیان وجوه اشتراک و اختلاف با حوزه‌های نزدیک با آن ضروری است.

۱ - آبراهام، جی اچ. ۱۳۶۸. خاستگاه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمد کریمی، انتشارات پاپیروس - پیشبرد.

۲ - گلدمن، لوسین. ۱۳۵۷. فلسفه علم انسانی. ترجمه حسین، اسدپور پیرانفر، سازمان

انتشارات جاویدان.

۳ - آبراهام، ص ۸.

جامعه‌شناسی بسیج با جامعه‌شناسی تاریخی رابطه دارد زیرا اطلاعات و منابع را از جامعه‌شناسی تاریخی اخذ می‌کند. به نظر می‌آید که تاریخ به معنای مجموعه اطلاعات و داده‌ها بتواند برای جامعه‌شناسی بسیج مؤثر واقع شود. ولی اطلاعات خام تاریخی و حتی اطلاعاتی که مورخ تنظیم نموده است، نمی‌تواند برای جامعه‌شناسی بسیج مؤثر واقع شود. زیرا الف) گزینش اطلاعات به لحاظ اهداف تاریخ و تاریخ‌نگاری صورت گرفته است. ب) سازندگان و برجسته‌کنندگان اطلاعات کسانی هستند که ممکن است دیدگاه جامعه‌شناختی نداشته باشند. ج) سازمان دادن و تنظیم اطلاعات نیز از دیدگاه جامعه‌شناسی تا تاریخی متفاوت است. از طرف دیگر این دو با یکدیگر رابطه دارند زیرا در جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی بسیج اطلاعات سازمان داده شده در جهت تحلیل اجتماعی است.

جامعه‌شناس تاریخی به لحاظ اینکه الف) متوجه تحلیل جامعه‌شناختی اطلاعات مربوط به حوادث تاریخی است، ب) در پی کشف قانونمندی است، ج) به گزینش مناسب و پرورش مفید اطلاعات پرداخته است، می‌تواند منبع مفیدی برای جامعه‌شناسی بسیج باشد. در این صورت جامعه‌شناسی بسیج و جامعه‌شناسی تاریخی به لحاظ استفاده از اطلاعات و داده‌های تاریخی نسبت به حوادث و وقایع در گذشته با یکدیگر ارتباط دارند ولی به لحاظ تفاوت در اهداف و روش‌های تحقیق متفاوت می‌باشند.

در بدو امر جامعه‌شناسی بسیج با جامعه‌شناسی نیروهای انتظامی و جنگ ممکن است یکسان و یا بخشی از آن تلقی گردد. ستیزه‌شناسی: «به ادراک درآوردن جنگ، خشونت و تهاجم‌گرایی، مهمترین هدفی است که در این علم دنبال می‌شود» (۱) از واژه ستیزه‌شناسی (۲) مقاصد زیر در نظر است:

۱ - بوتول، گاستون. ستیزه‌شناسی.



۱- مطالعه صورتهای دوگانه نوسان بنیادی زندگی جوامع سازمان یافته، یعنی جنگ و صلح. علاوه بر این، جستجوهایی در باره اشکال، محرکات، علیت و ادواری بودن کشمکش‌های مسلحانه صورت گرفته است.

۲- جنبه‌های مربوط به ساختارهای اجتماعی صلح

۳- «مطالعه کشمکش‌ها و خشونت‌ها در ارتباط با زندگی آدمیان و گروه‌ها»<sup>(۱)</sup>

بسیج‌شناسی با ستیزه‌شناسی در چندین امر متفاوت است و بدین لحاظ هر یک حوزه مستقلی را تشکیل می‌دهند، زیرا موضوع آنها متفاوت است. موضوع بسیج‌شناسی، «بسیج» و ستیزه‌شناسی، «ستیزه» است. مسایل هر یک نیز با یکدیگر متفاوت است. مسایل بسیج‌شناسی عبارتند از شناخت ماهیت جنبش توده‌ای در حالیکه مسایل ستیزه‌شناسی عبارت از جنگ، خشونت، تهاجم، ... می‌باشد.

جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی<sup>(۲)</sup>، متوجه پدیده تغییرات در سطوح متفاوت می‌باشد. اساس در این دیدگاه وجود بحران<sup>(۳)</sup> و مطالعه آن پس از موقعیت عادی امور است.<sup>(۴)</sup> تغییر اجتماعی یک پدیده، منحصر به فرد دنیای درون نیست؛ بلکه بعضی از انواع و سطوح تغییر در تجربه انسانی جهانی‌اند.<sup>(۵)</sup> تغییرات اجتماعی دارای صفاتی می‌باشد که عبارتند از ۱- استمرار، ۲- تحقق در شرایط خاص، ۳- در گذر زمان روند تغییر متفاوت از مرحله پیشین است، ۴- تغییر اجتماعی بر تجربه انسانها و جامعه اثر می‌گذارد.<sup>(۶)</sup> و با این وجود بسیج نیز به یک حالت و حرکت خاص و فوق‌العاده، در جهت نظامی اطلاق می‌شود. از این دریچه بسیج پس از بحران با تغییرات اجتماعی مرتبط است، ولی به لحاظ جهت‌گیری و هدف در مطالعه فرق دارد. زیرا در شناخت تغییر اجتماعی توجه به حاصل کار می‌باشد در حالیکه در مطالعه جامعه‌شناسی بسیج توجه به قبل از نتیجه و روند شکل‌گیری حرکت است.

۱- بوتول، گاستون. ستیزه‌شناسی.

2 \_ Science Of Social Changes

3 \_ Crisis

4 \_ Moore . E Wilbert 1964 Social Change . Prentice \_ Hall, Inc . P . 1

رابطه این دو نیز به کمک هر یک به دیگری است. جامعه شناسی بسیج و جامعه شناسی تغییرات اجتماعی به بررسی و شناخت حرکت‌های توده‌ای غیر رسمی و رسمی می‌پردازد و در نهایت به جامعه شناسی کلی و کلان انجامیده است. جامعه شناسی بسیج از جامعه شناسی سیاسی متفاوت است. جامعه شناسی سیاسی را علم دولت و یا علم قدرت تعریف نموده‌اند:

«دو مفهوم از جامعه شناسی [سیاسی] با یکدیگر در تعارضند: یکی، جامعه شناسی سیاسی را علم دولت می‌داند و دیگری آنرا علم قدرت. بینش دوم از دیگری مشهورتر است، و «اجرایی» تر نیز هست. همین است که ما آنرا به کار خواهیم گرفت»<sup>(۱)</sup>

در تعریف ارائه شده در جامعه شناسی سیاسی توجه به تمایز گذاری بین «فرمانروایان» و «فرمانبرداران» است. زیرا کسانی هستند که فرمان می‌رانند و کسانی که اطاعت می‌کنند، کسانی که دستور می‌دهند و کسانی که بدان‌گردن می‌نهند، کسانی که تصمیم می‌گیرند و کسانی که تصمیم در باره آنان گرفته می‌شود»<sup>(۲)</sup>.

در این صورت در جامعه شناسی سیاسی، محور دولت و یا قدرت است که به دو عنصر فرمانبرداران و فرمانروایان مربوط است. در حالیکه در جامعه شناسی بسیج صرفاً تبیین قدرت، دولت و رابطه بین دو گروه فرمانبرداران و فرمانبرداران مورد نظر نیست، بلکه مطالعه پدیده خاصی چون «بسیج» و رابطه آن با دیگر پدیده‌های اجتماعی چون دولت، حکومت، سیاست، اقتصاد و... مورد نظر است. در این صورت این دو جامعه شناسی به لحاظ رابطه بین قدرت و بسیج، دولت و بسیج، بسیج و حکومت با یکدیگر در رابطه می‌باشند.

جامعه شناسی بسیج یا علم بسیج شناسی اجتماعی، علم نحوه به جنبش در آوردن توده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی در سطوح متفاوت است. در حالیکه جامعه شناسی سیاسی علم قدرت و دولت است. این دو گرایش به لحاظ ساختار کلی

۱ - دوورژه، موریس، ۱۳۵۸. جامعه شناسی سیاسی، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۲۳ -

نوعی شباهت با یکدیگر دارند. زیرا در هر دو گرایش تلاش در فهم چگونگی ایجاد انتظام اجتماعی و تحول بین افراد، گروه ها، احزاب، سازمانها، و کلیت جامعه دارند. از طرف دیگر این دو حوزه با یکدیگر در رابطه اند زیرا می توان به شکلی سازمان بسیج را چون سازمان یک حزب و یا گروه سیاسی مورد بررسی قرار داد.

در پایان می توان اظهار نمود که جامعه شناسی بسیج با وجود اینکه با دیگر حوزه های جامعه شناسی ارتباط و اشتراکاتی دارد، ولی همچنان به لحاظ تفاوت در موضوع و مسایل یک حوزه مستقل بوده و از جایگاه علمی با جهت گیری انسانی، فلسفی و تاریخی برخوردار است.

#### منابع:

- ۱- ابراهام، جی. اچ. ۱۳۶۸، خاستگاه های جامعه شناسی. ترجمه احمد کریمی، انتشارات پاپیروس - پیشبرد.
  - ۲- بوتول، گاستون. ۱۳۶۹. ستیزه شناسی.
  - ۳- دوورژه، موريس. ۱۳۵۸. جامعه شناسی سیاسی. سازمان انتشارات جاویدان.
  - ۴- گلدمن، لوسین. ۱۳۵۷. فلسفه علوم انسانی. ترجمه حسین اسد پور پیرانفر، سازمان انتشارات جاویدان.
- 5 \_ Moore , E . Wilbert . 1964 Social Change . Prentice \_ Hall , Inc .



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی